

در دنیای پیچیده و پرنوسان بازار فارکس، توانایی تحلیل داده‌های اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و شفافیت رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای تحلیل اقتصادی، نقش برجسته‌ای در این حوزه ایفا می‌کند. GDP به عنوان معیاری از ارزش کلی تولیدات و خدمات ارائه شده در یک کشور، نه تنها سلامت اقتصادی آن را نشان می‌دهد بلکه تأثیر مستقیمی بر ارزش ارزها در بازارهای جهانی دارد. در آموزش فارکس، درک عمیق از شفافیت رشد تولید ناخالص داخلی GDP و نحوه استفاده از آن در تحلیل‌های بازار، به معامله‌گران کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتری در مسیر پیچیده معاملات حرکت کنند و تصمیمات استراتژیک دقیقی اتخاذ نمایند.

تاریخچه و مفهوم تولید ناخالص داخلی (GDP)

شفافیت رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است که میزان ارزش کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور را در یک دوره زمانی مشخص اندازه‌گیری می‌کند. مفهوم GDP در اوایل قرن بیستم توسط اقتصاددانان برای سنجش عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف توسعه یافت. در ابتدا، GDP به عنوان ابزاری برای ارزیابی میزان تولید در دوران جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت، اما به سرعت به استاندارد جهانی برای اندازه‌گیری سلامت اقتصادی کشورها تبدیل شد.



GDP به سه روش اصلی مناسب می‌شود: روش تولید که بر اساس ارزش افزوده صنایع مختلف است، روش هزینه که شامل جمع هزینه‌های مصرفی، سرمایه‌گذاری، مخارج دولتی و تراز تجاری (صادرات منهای واردات) است، و روش درآمد که درآمد کل تولیدکنندگان در اقتصاد را در نظر می‌گیرد.

تاریخچه GDP نشان می‌دهد که این شاخص به مرور زمان به ابزاری حیاتی برای سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران اقتصادی تبدیل شده است تا بتوانند روندهای اقتصادی را شناسایی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک انجام دهند. امروزه GDP نه تنها برای مقایسه رشد اقتصادی بین کشورها استفاده می‌شود، بلکه به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در تعیین سیاست‌های پولی و مالی مورد توجه قرار می‌گیرد.

معنای کلمه «تولید» در GDP چیست؟

در مفهوم "تولید" در تولید ناخالص داخلی (GDP)، این واژه به معنای مجموع ارزش تمامی کالاها و خدمات نهایی است که در یک اقتصاد در یک دوره زمانی مشخص تولید می‌شوند. این ارزش شامل تمامی فعالیت‌های اقتصادی است که منجر به تولید کالاها و خدمات می‌شود، بدون توجه به اینکه این کالاها و خدمات برای فروش به بازار عرضه شده‌اند یا توسط تولیدکنندگان برای استفاده داخلی خود تولید شده‌اند.

تولید در GDP شامل تولیدات نهایی است که برای مصرف، سرمایه‌گذاری، یا صادرات آماده هستند و کالاهای واسطه‌ای که در فرآیند تولید مصرف شده‌اند، از این مناسبه خارج می‌شوند. این شامل تمامی کالاها و خدماتی است که به صورت رسمی و در پارچه‌بند قوانین اقتصادی کشور تولید می‌شوند، از جمله کالاهایی که توسط خانوارها برای مصرف خودشان تولید می‌شود. اما خدماتی که به صورت غیررسمی یا فانی ارائه می‌شوند (مانند نظافت خانه توسط اعضای خانواده) در این مناسبه قرار نمی‌گیرند.

تولید به این معنا، به عنوان شاخصی از فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت اقتصادی کشور را نشان می‌دهد و به دولتمردان و تحلیل‌گران کمک می‌کند تا سیاست‌های اقتصادی و تصمیمات سرمایه‌گذاری را بر اساس آن تنظیم کنند. در ادامه به مواردی می‌پردازیم که شامل شاخص رشد تولید ناخالص داخلی می‌شوند و در ادامه به مواردی می‌پردازیم که شامل این شاخص نمی‌شوند.

مواردی که در شاخص رشد تولید ناخالص داخلی شامل می‌شوند:

1. کالاها و خدمات نهایی:

○ کالاها و خدماتی که برای مصرف نهایی تولید شده‌اند (به‌عنوان مثال: خودرو، لباس، خدمات پزشکی).

2. مصرف خانوارها:

○ هزینه‌هایی که توسط خانوارها برای خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌شود.

3. سرمایه‌گذاری‌ها:

○ شامل سرمایه‌گذاری در تجهیزات، ساختمان‌ها، و موجودی‌های انبار.

4. مخارج دولتی:

○ هزینه‌های دولت برای کالاها و خدمات عمومی (به‌عنوان مثال: آموزش، امنیت، زیرساخت‌ها).

5. صادرات فاصل:

○ ارزش کالاها و خدماتی که به خارج از کشور صادر می‌شوند، منهای واردات.

مواردی که در شاخص رشد تولید ناخالص داخلی شامل نمی‌شوند:

1. خدمات فنانگی و فعالیت‌های غیررسمی:

○ خدماتی که در خانه ارائه می‌شوند مانند پخت و پز، نظافت و مراقبت از کودکان بدون دریافت دستمزد.

2. کالاهای واسطه‌ای:

○ کالاهایی که در فرآیند تولید مصرف می‌شوند و به کالاهای نهایی تبدیل می‌شوند.

3. فعالیت‌های بازار سیاه و غیرقانونی:

○ فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر یا کارهای غیررسمی که گزارش نشده‌اند.

4. انتقال‌های مالی:

○ پرداخت‌هایی مانند بیمه بیکاری، بازنشستگی و سایر کمک‌های مالی که شامل مبادله کالا یا خدمات نیستند.

5. خرید و فروش سهام و اوراق بهادار:

○ این فعالیت‌ها به عنوان سرمایه‌گذاری در تولید کالاها و خدمات نهایی در نظر گرفته نمی‌شوند.

تولید ناخالص داخلی اسمی یا سیال (Current) در مقابل حقیقی یا ثابت (Constant)

تولید ناخالص داخلی (GDP) می‌تواند به دو شکل مختلف اندازه‌گیری شود: تولید ناخالص داخلی اسمی یا سیال (Current/ Nominal GDP) و تولید ناخالص داخلی حقیقی یا ثابت (Constant/ Real GDP). این دو نوع GDP به روش‌های مختلفی برای تحلیل و مقایسه اقتصادی استفاده می‌شوند و تفاوت‌های مهمی دارند.

تولید ناخالص داخلی اسمی (Current/ Nominal GDP)

GDP اسمی ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد را با قیمت‌های جاری بازار اندازه‌گیری می‌کند. این نوع GDP شامل تغییرات قیمت به دلیل تورم یا کاهش قیمت‌ها (دفلسیون) می‌شود، بنابراین می‌تواند از سالی به سال دیگر نوسانات زیادی داشته باشد.

مزایا:

نشان‌دهنده ارزش واقعی اقتصادی در قیمت‌های جاری است.

برای مقایسه ارزش اقتصادی در یک سال مشخص مفید است.

معایب:

به دلیل تأثیر تورم، نمی‌تواند دقیقاً میزان رشد اقتصادی را بدون در نظر گرفتن تغییرات قیمت‌ها نشان دهد.

تولید ناخالص داخلی حقیقی (Constant/ Real GDP)

GDP حقیقی ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده را با استفاده از قیمت‌های ثابت (معمولاً قیمت‌های یک سال پایه) اندازه‌گیری می‌کند. این روش تأثیر تورم یا دفلسیون را حذف می‌کند و به این ترتیب تغییرات واقعی در حجم تولید و مصرف را نشان می‌دهد.

مزایا:

اجازه می‌دهد که رشد اقتصادی را بدون تأثیر تورم بررسی کنیم.

مقایسه‌های طولانی‌مدت بین دوره‌های مختلف را ممکن می‌سازد.

معایب:

ممکن است با قیمت‌های جاری اقتصادی منطبق نباشد و برای مقایسه با ارزش‌های اقتصادی فعلی کمتر مفید باشد.

استفاده‌ها و کاربردها:

GDP اسمی برای تحلیل‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و مقایسه ارزش اقتصادی در یک سال مشخص مفید است، اما برای ارزیابی رشد اقتصادی در طول زمان کمتر قابل اعتماد است.

GDP حقیقی معمولاً برای تحلیل رشد اقتصادی در طول زمان استفاده می‌شود، زیرا تأثیرات تورم را حذف می‌کند و بنابراین تغییرات واقعی در تولید اقتصادی را نشان می‌دهد.

در نتیجه، برای داشتن تصویر دقیق‌تری از سلامت اقتصادی یک کشور، هر دو شاخص GDP اسمی و حقیقی باید به‌طور همزمان بررسی شوند

تفاوت تولید ناخالص داخلی (GDP) و تولید ناخالص ملی (GNP)

تولید ناخالص داخلی (GDP) و تولید ناخالص ملی (GNP) دو شاخص اقتصادی مهم هستند که برای اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی یک کشور استفاده می‌شوند، اما تفاوت‌های کلیدی دارند.

1. تعریف و موزه اندازه‌گیری:

تولید ناخالص داخلی (GDP): ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در یک دوره زمانی معین (معمولاً یک سال) را اندازه‌گیری می‌کند، بدون توجه به ملیت تولیدکنندگان. این شاخص شامل تولیدات داخلی توسط شرکت‌ها و افراد ساکن در کشور می‌شود، حتی اگر این تولیدات توسط شرکت‌های خارجی انجام شده باشد.

تولید ناخالص ملی (GNP): ارزش کل کالاها و خدماتی را که توسط ساکنان یک کشور، چه در داخل و چه در خارج از مرزهای آن کشور تولید می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص شامل درآمدهایی است که ساکنان یک کشور از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در خارج از کشور کسب می‌کنند، و در مقابل، درآمدهایی که خارجی‌ان در داخل کشور به دست می‌آورند را از آن کم می‌کند.

2. تفاوت‌های کلیدی:

مرکزیت جغرافیایی GDP: بر تولیدات داخلی یک کشور متمرکز است، در حالی که GNP بر تولیدات ساکنان آن کشور بدون توجه به موقعیت جغرافیایی تمرکز دارد.

مثال: اگر یک شرکت آمریکایی در چین فعالیت کند، تولیدات آن در GDP چین محاسبه می‌شود اما در GNP ایالات متحده لحاظ می‌گردد. همچنین درآمدهایی که یک شهروند آمریکایی از سرمایه‌گذاری‌های خود در خارج از کشور کسب می‌کند، در GNP آمریکا محاسبه می‌شود، اما در GDP آمریکا نه.

3. کاربردهای متفاوت:

GDP معمولاً برای ارزیابی قدرت اقتصادی و سطح تولید در داخل یک کشور استفاده می‌شود و به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تصمیمات اقتصادی داخلی بگیرند.

به تملیل‌گران اقتصادی کمک می‌کند تا رفاه اقتصادی کلی ساکنان یک کشور را ارزیابی کنند، زیرا شامل درآمدهای خارجی نیز می‌شود.

4. معادله‌ها:

$$GDP = \text{مصرف} + \text{سرمایه‌گذاری} + \text{مخارج دولت} + (\text{صادرات} - \text{واردات})$$

$$GNP = GDP + (\text{درآمدهای کسب‌شده از خارج} - \text{درآمدهای پرداختی به خارجیان})$$

با این تفاوت‌ها، GDP بیشتر برای تملیل وضعیت اقتصادی در داخل کشور و GNP برای تملیل وضعیت کلی اقتصادی از نظر ساکنان کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد

کدام کشور بالاترین رشد تولید ناخالص داخلی را دارد؟



کشورهای آمریکا و چین از جمله کشورهایی هستند که بالاترین سطح تولید ناخالص داخلی (GDP) را در جهان دارا می‌باشند. با این حال، بسته به روش محاسبه GDP، جایگاه آن‌ها در رتبه‌بندی‌ها می‌تواند متفاوت باشد. اگر بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی (Nominal GDP) مقایسه کنیم، ایالات متحده تا سال ۲۰۲۲ با GDP برابر با ۲۵,۴۶ تریلیون دلار در صدر قرار دارد، در حالی که چین با ۱۷,۹۶ تریلیون دلار در رتبه دوم جای می‌گیرد.

با این وجود، برفی از اقتصاددانان معتقدند که معیار برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity - PPP) تصویر دقیق‌تری از ثروت واقعی ملی ارائه می‌دهد. بر اساس این معیار، چین در سال ۲۰۲۲ با GDP برابری قدرت خرید برابر با ۳,۳۳۰,۰۰۰ تریلیون دلار، در رتبه اول جهان قرار دارد و ایالات متحده با PPP نزدیک به ۲۵,۴۶۰ تریلیون دلار در جایگاه دوم است.

آیا تولید ناخالص داخلی بالا خوب است؟

تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یک شاخص اقتصادی کلیدی، معمولاً نشان‌دهنده سطح فعالیت‌های اقتصادی و توانمندی اقتصادی یک کشور است، اما داشتن GDP بالا لزوماً به معنای خوب بودن وضعیت کلی اقتصادی یا اجتماعی آن کشور نیست. چندین نکته مهم در این زمینه وجود دارد:

1. توزیع نابرابر درآمد:

GDP بالا ممکن است به طور نابرابری بین جمعیت توزیع شده باشد، به طوری که بخش بزرگی از ثروت تنها در دست عده‌ای محدود قرار گیرد. این موضوع می‌تواند باعث افزایش نابرابری درآمدی و اجتماعی در کشور شود و همه مردم از این رشد اقتصادی بهره‌مند نشوند.

2. کیفیت زندگی:

رشد GDP همیشه به معنای بهبود کیفیت زندگی نیست. ممکن است این رشد از طریق فعالیت‌های اقتصادی به دست آمده باشد که تأثیرات منفی بر محیط زیست یا شرایط کاری کارگران داشته است. به عبارتی، افزایش تولید اقتصادی ممکن است با کاهش رفاه اجتماعی و زیست‌محیطی همراه باشد.

3. پایداری اقتصادی:

GDP بالا اگر بر پایه استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و تفریب محیط زیست باشد، ممکن است در بلندمدت پایدار نباشد. اقتصادهای وابسته به استخراج منابع طبیعی بدون برنامه‌ریزی برای آینده ممکن است با بمران‌های محیط زیستی و اقتصادی مواجه شوند.

4. فاکتورهای غیر اقتصادی:

شافص‌هایی مانند شادی ملی، بهداشت، آموزش، و امنیت اجتماعی نیز اهمیت زیادی دارند و ممکن است با GDP بالا همزمان نباشند. کشورهای با GDP بالا ممکن است در این شافص‌ها عملکرد ضعیفی داشته باشند، بنابراین GDP نمی‌تواند به تنهایی کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی را بازتاب دهد.

5. تمرکز بر تولیدات بی‌فایده:

برخی اوقات، GDP می‌تواند با فعالیت‌های اقتصادی که ارزش واقعی برای جامعه ایجاد نمی‌کنند، افزایش یابد. به عنوان مثال، هزینه‌های بالا در زمینه‌های مانند درمان بیماری‌های ناشی از آلودگی محیط زیست می‌تواند GDP را افزایش دهد، اما این نوع رشد واقعی و پایدار نیست.

بنابراین، در حالی که GDP بالا می‌تواند نشان‌دهنده قدرت اقتصادی باشد، باید همراه با تحلیل‌های دقیق‌تر و جامع‌تر از وضعیت اجتماعی، زیست‌محیطی، و توزیع درآمدی مورد بررسی قرار گیرد تا به یک ارزیابی درست از وضعیت کلی یک کشور دست یابیم.

نمونه مناسبه GDP

تولید ناخالص داخلی به روش‌های مختلفی مناسبه می‌شود، از جمله رویکرد تولید، رویکرد مخارج و رویکرد درآمد. در رویکرد تولید، ارزش افزوده در هر مرحله از تولید جمع‌آوری می‌شود. در رویکرد مخارج، مجموع هزینه‌های انجام شده توسط کاربران نهایی مناسبه می‌شود. در رویکرد درآمد، مجموع درآمدهای تولیدکنندگان مناسبه می‌شود. هر سه روش باید به نتیجه مشابهی منجر شوند.

از بهره‌وری متوسط یا سطح زندگی فردی در یک اقتصاد عمل کند. این شاخص را می‌توان به صورت‌های اسمی، واقعی (با تعدیل تورم)، یا برابری قدرت خرید (PPP) مماسه کرد.

در اصل، تولید ناخالص داخلی سرانه نشان می‌دهد که چقدر از ارزش تولید اقتصادی را می‌توان به هر شهروند نسبت داد. به دلیل اینکه ارزش بازار تولید ناخالص داخلی به ازای هر فرد نیز معیاری برای رفاه عمومی به حساب می‌آید، از این شاخص برای سنجش ثروت ملی نیز استفاده می‌شود.

اقتصاددانان معمولاً GDP سرانه را همراه با سایر شاخص‌های اقتصادی بررسی می‌کنند تا میزان بهره‌وری داخلی یک کشور و مقایسه آن با سایر کشورها را تحلیل کنند. این شاخص هم میزان تولید ناخالص داخلی و هم جمعیت کشور را مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، فهمیدن اینکه هر یک از این عوامل چگونه به نتیجه نهایی کمک می‌کند و بر رشد GDP سرانه تأثیر می‌گذارد، اهمیت دارد.

به عنوان مثال، اگر GDP سرانه در یک کشور با وجود جمعیت ثابت افزایش یابد، این ممکن است نتیجه بهبودهای تکنولوژیکی باشد که باعث می‌شود تولید با همان تعداد افراد افزایش یابد. برخی کشورها ممکن است GDP سرانه بالایی داشته باشند اما جمعیت کمی داشته باشند که نشان‌دهنده اقتصاد فودکفا بر پایه منابع فراوان است.

نمونه استفاده از داده‌های تولید ناخالص داخلی



بیشتر کشورها داده‌های تولید ناخالص داخلی را در بازه سالانه و سه ماهه یا فصلی منتشر می‌کنند. در ایالات متحده، دفتر تجزیه و تحلیل اقتصادی (BEA) تولید ناخالص داخلی سه‌ماهه اولیه را چهار هفته پس از پایان دوره سه ماهه، و انتشار نهایی را سه ماه پس از پایان دوره سه ماهه منتشر می‌کند. دفتر BEA جامع و ماوی جزئیات فراوانی است که به اقتصاددانان و سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد تا اطلاعات و بینش‌هایی را در مورد جنبه‌های مختلف اقتصاد به دست آورند.

تأثیر تغییرات بازار در تولید ناخالص داخلی به طور کلی محدود است، زیرا این داده‌ها به عقب نگاه می‌کند و مدت زمان قابل توجهی بین پایان سه ماهه و انتشار داده‌های تولید ناخالص داخلی سپری شده است. با این حال، اگر اعداد واقعی به طور قابل توجهی با انتظارات متفاوت باشد، داده‌های تولید ناخالص داخلی می‌تواند بر بازارها تأثیر بگذارد.

از آنجایی که تولید ناخالص داخلی نشانه مستقیمی از سلامت و رشد اقتصاد است، کسب و کارها می‌توانند از تولید ناخالص داخلی به عنوان راهنمای استراتژی تجاری خود استفاده کنند. نهادهای دولتی، مانند فدرال رزرو در ایالات متحده، از نرخ رشد و سایر آمارهای تولید ناخالص داخلی به عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری خود برای تعیین نوع سیاست‌های پولی استفاده می‌کنند.

اگر نرخ رشد کند شود، آنها ممکن است یک سیاست پولی انبساطی را برای تقویت اقتصاد اجرا کنند. اگر نرخ رشد قوی باشد، ممکن است از سیاست پولی برای کاهش سرعت کار استفاده کنند تا سعی کنند تورم را از بین ببرند.

تولید ناخالص داخلی واقعی شفاف‌تری است که بیش از همه در مورد سلامت اقتصاد جزئیاتی را ارائه می‌دهد. این شاخص به طور گسترده توسط اقتصاددانان، تحلیلگران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران دنبال و مورد بحث قرار می‌گیرد. انتشار داده‌های خام قبل از ارائه ارقام نهایی، تقریباً همیشه بازارها را به حرکت در می‌آورد، اگرچه همانطور که در بالا ذکر شد، این تأثیر می‌تواند محدود باشد.

تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است که نشان‌دهنده سلامت و عملکرد اقتصادی یک کشور است. این شاخص نه تنها برای اقتصاددانان و سیاست‌گذاران، بلکه برای سرمایه‌گذاران و کسب‌وکارها نیز اهمیت بالایی دارد. از آنجا که GDP تصویر کاملی از وضعیت اقتصادی یک کشور ارائه می‌دهد، تحلیل دقیق آن می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمک کند. در دوره آموزش فارکس از صفر تا صد به صورت مفصل در مورد این شاخص و نحوه معامله کردن با آن صحبت کرده ایم.

1. تولید ناخالص داخلی (GDP) چیست و چرا اهمیت دارد؟

- تولید ناخالص داخلی (GDP) مجموع ارزش پولی تمامی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در مرزهای یک کشور در یک دوره زمانی معین است. این شاخص به عنوان معیار اصلی سنجش سلامت و عملکرد اقتصادی یک کشور شناخته می‌شود و به دولت‌ها، سرمایه‌گذاران و اقتصاددانان کمک می‌کند تا وضعیت اقتصادی کشور را ارزیابی و سیاست‌های اقتصادی مناسب را تعیین کنند.

2. تفاوت بین GDP اسمی و GDP واقعی چیست؟

- GDP اسمی ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور را بدون در نظر گرفتن تورم محاسبه می‌کند، در حالی که GDP واقعی تغییرات قیمت‌ها (تورم) را در محاسبات خود لحاظ کرده و تصویری دقیق‌تر از رشد واقعی اقتصادی ارائه می‌دهد. GDP واقعی برای مقایسه عملکرد اقتصادی در طول زمان مناسب‌تر است.

3. چگونه GDP با استفاده از رویکردهای مختلف محاسبه می‌شود؟

- GDP می‌تواند با سه روش مختلف محاسبه شود:
 1. رویکرد تولید: مجموع ارزش افزوده در هر مرحله از تولید.
 2. رویکرد مخارج: مجموع هزینه‌های انجام شده توسط کاربران نهایی.
 3. رویکرد درآمد: مجموع درآمدهای تولیدکنندگان. هر سه روش باید به نتیجه مشابهی منجر شوند.

4. تفاوت بین تولید ناخالص داخلی (GDP) و تولید ناخالص ملی (GNP) چیست؟

- GDP به مجموع تولیدات داخلی یک کشور در داخل مرزهای جغرافیایی آن اشاره دارد، در حالی که GNP شامل مجموع ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط اتباع یک کشور، بدون توجه به محل تولید آنها است. به عبارت دیگر، تولیدات یک کارخانه متعلق به یک کشور در خارج از مرزهای آن در GNP محاسبه می‌شود، اما در GDP محاسبه نمی‌شود.

5. چرا مقایسه GDP بین کشورها مهم است و چگونه انجام می‌شود؟

- مقایسه GDP بین کشورها به اقتصاددانان و سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا عملکرد اقتصادی کشورها را ارزیابی و تصمیمات سرمایه‌گذاری مناسب‌تری اتخاذ کنند. این مقایسه معمولاً به دو صورت انجام می‌شود: بر اساس GDP اسمی و بر اساس برابری قدرت خرید (PPP). GDP اسمی برای مقایسه اقتصادی کوتاه‌مدت مناسب است، در حالی که PPP به دلیل در نظر گرفتن تفاوت‌های هزینه زندگی، برای مقایسه بلندمدت کاربرد دارد.

Börsa.org